

## بانکداری اسلامی همان بانکداری سرمایه داری است

"بانکداری اسلامی" در مقایسه با نظام بانکداری در چریان پریائی "سیزدهمین نایشگاه بین المللی "سرمایه داری و غیر سرمایه داری" به گونه ای سخن رفت، که تهران" (از ۲۱ شهریور تا اول مهر ماه) با حضور وزرای کوبی نظام "بانکداری اسلامی"، نظامی نوظهور و با دارائی، راه و تراپری و رئیس کل بانک مرکزی، "روز قوانین خودویژه است، که در آن از "اخذ پهره های کلان بانکهای کشور" و پیش از این، از ۲۶ مرداد تا اول شهریور از مشتریان" خپری نیست و هدف آن "پکارگیری ماه، "هفته بانکداری اسلامی" برگزار گردید. در "روز اندوخته های چامعه اسلامی... بمنظور رشد اقتصاد بانکهای کشور"، رئیس کل بانک مرکزی طی سخنانی از اسلامی" و "پرقراری قسط و عدالت اجتماعی است".

چمله گفت که "قبل از انقلاب سیستم بانکی هازبیجه دست علیرغم تبلیغات پوچ و پردامنه پیرامون اجرای نظام عده ای سرمایه دار بود" یعنی امروز نیست و در "هفته نوین بانکداری به اصطلاح "اسلامی" با قاطعیت می توان بانکداری اسلامی"، مسئولان و دست اندرکاران ضمن گفت که نظام بانکداری جمهوری اسلامی پی کم و کاست شرکت در برنامه های ویژه و مطبوعات با گزارشهای ویژه نظام بانکی سرمایه داری است. باید توجه داشت که در نظام "بانکداری اسلامی" را بعنوان "نظام بانکداری چارچوب فرمانروایی هر نظام اقتصادی- اجتماعی عملکرد بدون رها" و "یکی از دستاوردهای پرارزش نظام بانکی نمی تواند فاقد خصلت طبقاتی باشد.

انقلاب اسلامی" معرفی کردند. در این هفته درباره نظام

بقیه در ص ۲

نام مردم

از کان مرکزی غرب توده ایران

شماره ۱۷۶ دوره هشتم  
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۷/۲۱  
سهاء ۲۰ ریال

## داستان غم انگیز بهداشت و درمان درج ا

درمان کشور را پیش از پیش از هم گسیخته اند و دست پخش خصوصی را در بهداشت و درمان باز گذاشته اند.

آخرین آمار موجود تعداد مراکز درمانی و تخت بیمارستانی کشور، مربوط به سال ۱۳۶۳ است. "به موجب آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۶۳، ۵۸۹ موسسه درمانی (بیمارستان، آسایشگاه، زایشگاه) با ۷۰۱۵۲ تخت در سراسر کشور فعالیت داشته است که از این تعداد، ۲۸۷ مرکز، زیر پوشش وزارت بهداشتی، ۱۱۴ مرکز متعلق به پخش خصوصی، ۴۰ واحد زیر پوشش دانشگاهها و ۴۸ واحد نیز به موسسات خیریه وابسته بوده است. جمع کل تاسیسات درمانی تهران در سال ۶۳ یکصد و پنجاه واحد یا (۲۴۰۲ تخت بوده است... (اطلاعات ۲۸ مهرماه ۱۳۶۵). اگر ارقام بالا را با جمعیت ایران در سال ۶۳ یعنی حدود ۴۰ میلیون نفر مقایسه کنیم به هر ۵۷۰ نفر یک تخت بیمارستانی می رسد. طبق برآوردهای سازمان بهداشت جهانی برای هر ۱۰۰ نفر حداقل یک تخت بیمارستانی لازم است. باید توجه داشت که از این تعداد هم پخش بزرگی (حدود ۲۴ درصد در سال ۶۳) در تهران متمرکز بوده است و در شهرستانها و روستاها وضع به مراتب وحشتناکتر است.

در همان سال ۱۳۶۳، ۱۲ تا ۱۳ هزار پزشک، ۲۵۰۰ دندانپزشک، ۲۴۰۰ پرستار و بهیار، ۹۰۰ متخصص زایمان و زنان، ۲۰۰۰ داروساز در ایران فعالیت می کرده اند. این آمار نشان می دهد که در آن سال، برای هر ۲۰۰۰ نفر یک پزشک و هر ۱۷۰۰ نفر یک دندانپزشک در کشور وجود داشته است. در حالیکه طبق معیارهای سازمان بهداشت جهانی برای هر هزار نفر حداقل یک پزشک و بهیار هر سه هزار نفر حداقل یک دندانپزشک لازم است. با آنکه آمار جدیدی در مورد مراکز درمانی، تعداد پزشک و سایر امکانات درمانی کشور در دست نیست، میتوان به چرات گفت که با

بقیه در ص ۶

"بیمارستانها تخت ندارند، درمانگاهها پزشک ندارند، داروخانه ها دارو ندارند..." این چملات که کبیان ۱۴ تیر ۶۶ در گزارشی به نام "ساعات سرگردانی برای بیماران شهانه" در توصیف وضع بد بهداشت و درمان در تهران نوشته است، تنها گوشه ای از وضعیت دردناک بهداشت و درمان در نظام چ.ا. را تصویر می کند. پر این چملات باید افزود که تعداد بسیار زیادی از روستاها و شهرستانها هم اصلا بیمارستان و درمانگاه ندارند که بتوان از پزشک و دارو در آن سخنی گفت.

بهداشت و درمان در شرایط نظام سرمایه داری همیشه و در همه جای جهان عرصه سودجویی افراد بی مسئولیت بوده است و تا روزی که این نظام در کشور ما حاکم باشد همینگونه خواهد بود. اما سران بی کفایت چ.ا. که روزی فریبکارانه در طرح ملی وزارت بهداشتی و بهزیستی تاکید کرده بودند: "طبق ملی با هدفهای انقلاب اسلامی ایران که پرقراری عدالت اجتماعی و پراپری مردم در استفاده از خدمات است" ماهنگی دارد، تاکنون نه تنها در این جهت هیچ قدمی برنداشته اند بلکه شیرازه نظام بهداشت و

بقیه در ص ۶

## چرا گردانندگان رژیم "اسلام فقهانی"

### از آزاد کردن حتی يك زندانی سیاسی

### شکجه شده وحشت دارند؟

چند هفته پیش یکی از "فقهای شورای نگهبان" و با اصطلاح سخنگوی آن، در یک مصاحبه مطبوعاتی منکر وجود زندانی سیاسی در ایران شد و مدعی گردید که در ایران زندانی سیاسی به معنائی که در خارج از آن می فهمند وجود ندارد و گویا همه کسانی که در ایران در سیاه چال ها افکنده شده اند نه بخاطر آرمان های اجتماعی و دگر اندیشی خود بلکه بعلت قیام مسلحانه بمنظور ساقط کردن رژیم "ولایت فقیه" دستگیر گردیده اند و بنابراین آزاد کردن شان "اسلام" را بخاطر می اندازد.

الته ادعای سخنگوی "فقا" در مورد طیف مخالفان رژیم و شیوه فعالیت آنها "پاسخگوی حقیقت نیست. یک نمونه درخشان آن زنان مبارزی هستند که زیر بار حجاب من درآوردی "فقا" نمی روند و پرائر مقاومت خود که چنپه سیاسی و اجتماعی دارد به زندان می افتند. مگر اینکه موی زنان هم "اسلحه گرم" و راه رفتن بقیه در ص ۳

## ماجرای دو پرونده

گروههای انحرافی" و به گفته خمینی "منحرف از انقلاب و اسلام" خوانده شد. او و همراهانش در جریان افشای ماجرای سفر مک فارلین به ایران توسط "وزارت اطلاعات" دستگیر و در "دادسرای ویژه روحانیت" به محاکمه کشیده شدند. چرم احمد کاشانی و همدستانش نیز از جمله "توطئه علیه نظام از طریق ایجاد اختلاف در میان نیروهای مسلح" اعلام شد. در اطلاعیه "وزارت اطلاعات" او و گروهش "عاملین تهیه و تنظیم و تکثیر شننامه هایی که می توانست موجب بروز

بقیه در ص ۶

صبح ۶ مهر، مهدی هاشمی را تیرباران کردند. پرونده او بسته شد، اما پرونده همراهان و همفکرانش که اغلب رژیم خمینی را سراپ یافته اند هنوز باز است.

همچنین به گفته هاشمی رفسنجانی، احمد کاشانی به دو سال زندان محکوم شده است. مهدی هاشمی و احمد کاشانی و همراهانشان، منتسب به دو جناح مخالف در حاکمیت جمهوری اسلامی، در پائیز سال ۶۵ دستگیر شدند و پرونده آنها به چریان افتاد. چرم هر دو گروه تقریبا یکسان بود. مهدی هاشمی "سردمدار یکی از

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## بانکداری اسلامی همان...

در هر کشور

همچنین بین نظام بانکی و کل سیاست و عملکرد اقتصادی و مالی رژیم حاکم بر آن پیوند متقابل و جدایی ناپذیر وجود دارد. این پیوند متقابل و قانونمند در همه نظامها، از جمله نظام جمهوری اسلامی، یکسان عمل می‌کند. در شرایط کنونی نظام بانکی ایران، که همه گستره‌های اقتصادی را در بر می‌گیرد، پا در دست داشتن انباشت و اندوختن جامعه و خدمت به کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران در غارت دسترنج زحمتکشان شرکت می‌کند و پنبه خود در راه تحکیم شالوده‌های نظام سرمایه‌داری واپسته در کشورگام برمی‌دارد. "بانکداری اسلامی" برخلاف ادعای رژیم، عرصه‌ایست که در آن نیز ستروایی و پیدادگری سرمایه‌داری را پیمان می‌توان دید. "بانکداری اسلامی" همچنان "ربایی" است و بهره‌های سنگین و کمرشکن پنام "کارمزد" به وام‌هایی می‌پندند که زحمتکشان را هزار دوندگی و زحمت دریافت می‌کنند. صحت از دست‌یابی به "قسط و عدالت اجتماعی" از طریق نظام بانکی و در چارچوب حاکمیت نظام سرمایه‌داری چیز به منظور مردم فریبی نیست، زیرا هرگز نظام بانکی به تنهایی قادر نیست شیوه و مناسبات تولید را دگرگون سازد. حال بعد از گذشت سه سال از اجرای نظام نوین "بانکداری اسلامی"، زحمتکشان و محرومان و امخواهی که یکبار هم سروکارشان به بانکها افتاده، نیک دریافته‌اند که نظام بانکی کشور تنها در شکل و نه در اساس دستخوش تغییر و تحول شده است. این واقعیت چنان‌ها واضح چهره خود را به نمایش گذارده است که روزنامه اطلاعات نیز می‌نویسد:

خود مسئولین اجرایی به عدم توفیق خود در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا اذعان دارند ولی به زبان نمی‌آورند...

به عقیده ما روح قانون عملیات بانکی بدون ربا هر نظام اجرایی بانکهای کشور حاکم نیست، بلکه همان روحیه سودطلبی گذشته در قالبی جدید پر کالبد بانکها مسلط است... (ضمیمه اقتصادی اطلاعات ۶۴/۷/۲۸).

ماهیت عملکرد "بانکداری اسلامی" چگونه است، که حتی روزنامه اطلاعات ناگزیر به چنین اعترافی می‌شود؟

پرسی گذرای برخی از مهمترین عرصه‌های فعالیت بانکها پاسخگوی پرسش بالاست.

بانکها، که در عملکرد نظام بانکی کشور نقش تعیین کننده را دارند و سیستم اعتباری کشور را کنترل می‌کنند، اعتبارات را در راستایی که سیاست دولت ایجاب می‌کند سوق می‌دهند. در حالیکه کشور ما با مسائل حاد اقتصادی و اجتماعی گوناگونی روبروست و حل هر یک از آنها به سرمایه گذاری دولتی و اعتبارات بانکی هنگفت نیاز دارد، بانکهای "اسلامی" با گشاده دستی پخش مهمی از ذخایر مالی مردم و سرمایه‌های پولی "آزاد" گردآورده را پسود کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران توزیع می‌کنند، تا سود هرچه بیشتری پدست آورند.

نگاهی به برخی از ارقام مربوط به واگذاری اعتبارات و تسهیلات بانکی به پخش خصوصی نشانگر این واقعیت است. پگفته‌های نایبانه مردودت، "اعتبارات بانکها به پخش خصوصی در سال ۶۱ همیزان ۲۴۸۷ میلیارد ریال بوده، که نسبت به سال ۵۷ همیزان ۵۸/۶ درصد رشد را نشان می‌دهد" (اطلاعات ۶۳/۱۱/۱۲). روند واگذاری اعتبارات و تسهیلات بانکی در سالهای بعد نیز همچنان به رشد شتابان خود ادامه داد. "در سال ۶۵... کل تسهیلات اعطائی بانکها به پخش خصوصی، با رشدی معادل ۱۴/۶ درصد به حدود ۵۸۱۲ میلیارد ریال رسید (اطلاعات ۶۶/۶/۵) و برای سال ۶۶ "رشد تسهیلات اعطائی به پخش خصوصی ۷ درصد پیش‌بینی شده است" (اطلاعات ۶۶/۲/۲). ناگفته نماند که بانکها در چارچوب واگذاری تسهیلات بانکی به پخش خصوصی هر سال سهم چشمگیری از ارز حاصل از فروش نفت را نیز دودستی تقدیم این پخش می‌کنند. به گفته مقامات مسئول جمهوری اسلامی تنها در سال ۶۲ "دولت نزدیک به ۲/۵ میلیارد دلار ارز کشور را در اختیار پخش خصوصی در جهت واردات قرار داده است (اطلاعات ۶۳/۷/۱۵).

رشد حجم اعتبارات و تسهیلات بانکی برای پخش خصوصی اساسا نه در جهت یاری رسانی به سرمایه‌های کوچک و متوسط یا محرومان و نیازمندان خواهان وام، بلکه در خدمت تقویت سرمایه‌های بزرگ بوده است. کیهان می‌نویسد: "از ابتدای استقرار نظام بانکداری نوین همواره بحث حول این

محور می‌چرخیده است که بانکها به جای واگذاری وام و اعتبار به اقشار ثروتمند و تقویت پنبه مالی این اقشار می‌پایند از گروههای کم‌درآمد و متوسط درآمد و مستضعف حمایت کنند. ولی بررسی کارنامه بانکها پس از استقرار نظام جدید نشان می‌دهد که... اقشار کم‌درآمد از روشی که فعلا بانکها برای انجام فعالیت‌های بانکی و مالی دارند، چندان راضی نیستند" (کیهان ۶۶/۲/۱).

همچنین یکی از مشتریان بانک ملی در مصاحبه با خبرنگار کیهان می‌گوید:

"متأسفانه الان افراد ضعیف و کم‌درآمد بهره چندانی نمی‌توانند از تسهیلات بانکی ببرند... هنوز طرف سرمایه‌داری گرفته می‌شود" (همانجا).

و یا یکی از نمایندگان هیئت‌های هفت نفره درگردهمایی سراسری مسئولان هیئت‌های هفت نفره "از نحوه اختصاصی وامهای بانک کشاورزی انتقاد کرد" و گفت: "این وامها بیشتر در خدمت سرمایه‌داران قرار گرفته تا زارعین" (اطلاعات ۶۳/۹/۱۳).

واگذاری تسهیلات بانکی فزاینده در سالهای بعد از انقلاب به پخش خصوصی از جمله علل رشد نجومی نقدینگی پیش از ۱۰۰۰ میلیارد ریالی این پخش است.

واگذاری اعتبارات و تسهیلات به پخش خصوصی پر پایه قراردادهای، یا به دیگر سخن "روشها و عقود اسلامی" همانند "مضاربه"، "مشارکت مدنی"، "قرض الحسنه"، "معامله سلف"، "مزارعه" و "مساقت" صورت می‌گیرد.

پر پایه قراردادهای اسلامی، سرمایه‌داران برای اجرای طرحهای خود در موارد بسیاری می‌توانند تا ۹۰ یا ۱۰۰ درصد سرمایه مورد نیاز خویش را از بانکها دریافت کنند. البته بانکها در مقابل واگذاری اعتبارات کلان انتظار حداقل سودهای قابل توجهی را هم دارند. مثلا "بانک مرکزی در حال حاضر حداقل نرخ سود مورد انتظار در انتخاب موضوع مضاربه در پخش پاررگانی داخلی و واردات را ۱۲ درصد و در پخش صادرات را ۸ درصد تعیین کرده است" (اطلاعات ۶۶/۵/۲۶).

برای درک نقش عمیق بهره‌کشانه عملکرد "بانکداری اسلامی" باید خاطر نشان سازیم که سرمایه‌دار "مسلمان" به قصد دستیابی به سود برای بانک و "خدمت به اسلام" وام و اعتبار دریافت نمی‌کند. او تنها برای پدست آوردن حداکثر سود خود راه به هر آب و آتشی می‌زند. از اینرودر جامعه مادر بهترین حالت اگر به فرض محال "سرمایه‌دار مسلمان" دندان طمع خود را کشیده باشد و به ۸ تا ۱۲ درصد سود هم رضایت دهد، در این صورت نرخ سود سرمایه پیش ریخته بین ۱۶ تا ۲۴ درصد خواهد شد. این نرخ سودهای متوسط تا این پایه کلان از قهل غارت دسترنج چه کسانی چیز کارگران و زحمتکشان باید تامین گردد؟ واگذاری اعتبارات و تسهیلات کلان به سرمایه‌داران پمنظور دریافت سودهای کلان و از این راه تامین درآمد برای دولت مفلس حاکم تنها به معنای شرکت در استثمار هرچه پیرحمانه‌تر زحمتکشان است. اگر بانکها خود مستقیما یا با همکاری صاحبان سرمایه در استثمار و غارت زحمتکشان شرکت نمی‌کردند و سودهای سرسام‌آور به گاو صندوقهایشان سرازیر نمی‌ساختند، هرگز "نظام بانکی بدون ربا" قادر نبود به سیرده‌های بانکی سودی بیشتر از دوران ستمشاهی پبردازد. برای مثال در سال ۱۲۶۳ "به سیرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت (که مشابه پس‌اندازهای نظام بانکی گذشته است) پچای ۷ درصد در نظام گذشته ۷/۲ درصد" و به "سیرده‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت (که مشابه سیرده ثابت نظام پیشین است) پچای ۸/۵ درصد قهلی ۹ درصد" سود پبردازد (اطلاعات ۶۶/۷/۲۸). البته به یک نکته نیز باید توجه داشت، که حساب این سودهای پرداختی جدا از چواریزی است که به حسابهای قرض الحسنه از طریق قرعه‌کشی تعلق می‌گیرد و تنها برای سال چاری ۲۰ میلیارد ریال برای آنها در نظر گرفته شده است.

افزون بر اینها، هرگاه که زحمتکشان با هزار دردسر موفق می‌شوند وامی، آنهم نه به میزان دلخواه و پراورنده نیازشان، از بانکها دریافت کنند، یا بهره‌های هنگفت و در بسیاری موارد پخاطر عدم توانایی در پرداخت منظم اقساط آن پا پرداخت ۱۰ درصد چریمه نیز روبرو می‌شوند. در این زمینه، بد نیست تنها چند نمونه از دردهای گیرندگان وام را نقل کنیم:

- در سال ۶۴ من از بانک رهنی وام مسکن گرفتم. وامی که گرفتم حدود ۴۰ هزار تومان وقتی من حساب کردم پا بهره اش حدود ۶۴۰ هزار تومان می‌شود (کیهان ۶۶/۲/۱).

مردم پشنا ساوند.

کم کم همگان پی برده اند که روحانیت حاکم پرای ارزبایی مقولات اجتماعی پیرو شیوه " یک پام ودوها " است. اگر کسی " مسلمان " باشد در هر نقطه جهان هرکاری که بکند، حتی پست ترین چنایات، مورد پشتیبانی رژیم ایران قرار می گیرد. یک مسلمان " می تواند در لهنان پخاطر وارد کردن کشورهای امپریالیستی به فروش اسلحه به ج.ا. آد م رپائی کند، در افغانستان هواییای مسافربری را سرنگون سازد و دست به ترور و آدم کشی بزند، در هندوستان چنگ مذهبی پراه پپاندازدو خلاصه " مشرکین و ملحدین " را در هر کجا که هستند و هر سن و سالی دارند به خاک و خون بکشند. ولی چنین کسی از لحظه دستگیر شدن از دیدگاه سران رژیم ایران " مساجد مسلمان " است و می تواند مطمئن باشد که تمام امکانات ج.ا. در اختیار اوست و حتی اگر به چرم کشتن کودکان " صیهونیست " اعدام شود، خیابان " فردوسی " یا خیابان " حافظ " را به اسم اونا مگذاری خواهند کرد. اما اگر " کفار " پرای دفاع از خانه و کاشانه و خانواده خود در پراه پچنایتکاران " مساجد " دست از پا خطا کنند، پا سیل دشنام و تهدید از سوی گردانندگان ج.ا. روپرومی شوند.

وقتی هواییای مسافری افغانستان توسط یک " مساجد مسلمان " مزدور " سیا " و پکک موشک " استینگر " آمریکائی سرنگون می شود و چند ده مسافر پیگناه و از جمله کودکان چان می پازند روزنامه ها و صدا و سیما جمهوری اسلامی به به می کنند و چه چه می زنند. اما اگر این چانی پست در جنگال عدالت گرفتار آید، فریاد و الاسما سر می دهند و به محاکمه " مساجدان مسلمان " در " پیدادگاه " اعتراض می کنند و تمام انواع شکنجه ها و اعمال ضد انسانی را که خود در زندان های ج.ا. علیه زندانیان سیاسی مرتکب می شوند، پپای " مارکیست ها " در افغانستان می نویسند!

تشنجات مذهبی چند ماه پیش در هندوستان که توسط عمال شناخته و ناشناخته امپریالیسم پمنظور تضعیف دولت راجپورگاندی پراه پاشد از سوی " مشاور عالی نخست وزیر در امور اهل سنت " پدینگونه ارزبایی گردید: " وقتی که آهرو ، ناموس چان و مذهب مسلمانان هند حفظ نشود، یقینا حکومت هندهم باید منتظر انتقام چوئی مسلمانان جهان باشد. اگر مسلمانان دنیا احساس کردند که منافع مسلمان ها در خطر است، یقینا منافع حکومت این کشور هم در دنیای اسلام به خطر خواهد افتاد. "

این نقل قول نیاز به هیچگونه تفسیری ندارد. باید یادآوری کرد که بسیاری از زندانیان سیاسی در ایران، مانند خود زندانیان شیعه دوازده امامی هستند. و اتفاقا در میان همین زندانیان مسلمان است که تعدادی زیر شکنجه های حیوانی پاصطلاح " توآپ " شده اند. اگر واقعا شرع اسلام در ایران حاکم می بود باید این " توآپین " پلافاصله آزاد می گردیدند. اما دیده می شود که چنین نیست و این قربانیان مسخ شده که کارهای " سیا " نظیر اجرای حکم

## جراگردانندگان رژیم ...

آنان در کوچه و خیابان " محاربه با اسلام " محسوب شود. از نمونه هائی از این دست که پکذرم ادعای سخنگوی رژیم در مورد هزاران توده ای که چهار سال پیش دستگیر شدند و " گناه " اصلی آنان پاپیندی به آرمان های والای انسانی و مقاومت در پراه پخیانت حکام مرتجع جمهوری اسلامی به هدف های انقلاب پهمن، مخالفت با ادامه چنگ پس از پیرون راندن متجاوز پمنظور " صدور انقلاب " ، روشنگری در میان کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان و چاذیبت روزافزون نظریات و پپیشنادهای مشخص آنان پرای غلبه پر مشکلات اقتصادی و اجتماعی بود، از پپیخ و پین دروغ است.

ولی چه می شود کرد که توده ای ها زبان و قلم و پپیشنادهائی داشتند که در مهارزه با مظاهر چهل و خیانت و خرافه پرستی از تفنگ کارآتسرو از شمیر پراتر بود و اینک، پویژه پا اطلاعات گرانپهائی که از شیوه های " پر خورد عطوفت آمیز اسلامی " در زندان های رژیم قرون وسطائی روی گوشت و پوست خود کسپ کرده اند، در صورت آزاد شدن می توانند تمام رشته های سران مرتجع حاکمیت را پینه کنند و سیما زشتشان را به

" ما با دریافت وام از بانک خانه ای را بطور قطعی خریداری کردیم که میزان وام دریافتی ما ۲۷۰ هزار تومان بود چندی قبل پنا به دلایلی از جمله رفتن من به چپه و پیماری همسر م قسط وام ما سه پرچ عقب افتاد در طول این مدت بانک پر خورد خوبی پا ما نداشت و بدون اینکه مشکلات ما را در نظر پکیرد ما را چریمه کرد که پرداخت این چریمه های مالی پرای خانواده ما پسیار سنگین است " (همانجا).

" پرادر خانم من خواست وام ازدواج پکیرد و پعد از ۶ ماه دوندگی نتوانست وامی را که می خواست دریافت کند " (همانجا).

" من کشاورزی می کنم. سیل آمده و باغم را خراب کرده و حدود سیصد هزار تومان به من ضرر وارد شده... شاید پاورتان نشود، ولی به پرکت خدا، فقط پا ۶ هزار تومان وام موافقت کرده اند... " (کیهان ۶۶/۱/۲).

کوتاه سخن، بانکها نه در شرایط حاکمیت سرمایه داری، بلکه تنها در دوران فرمانروایی نظام سوسیالیستی می توانند بطور ریشه ای وظایف خود را تغییر دهند و از هر جهت پسود خلق عمل کنند. عمده ترین نقش بانکها در جمهوری اسلامی، همانند دیگر کشورهای سرمایه داری، کمک به سودافزایی صاحبان سرمایه است. " بانکداری اسلامی " ، پر خلاف دعای پوچ سردمداران رژیم، هیچ تحفه ای نیست. در چند سال اخیر نه تنها دکرگونی متهتی در نظام بانکی کشور ایجاد نشده، بلکه در زمینه های معین خصلت ارتجاعی عملکرد آن تشدید نیز شده است.

اعدام رفقاییشان و پار کردن چنازه های اعدام شدگان در کامیون ها را پهمده دارند، سال ها پس از توبه کردن ، همچنان در زندان نگهداشته می شوند. چرا که هم خودشان و هم سران رژیم می دانند که چگونه آنانرا به " توبه کردن " واداشته اند و از ناحیه فاش شدن این راز، پرای " اسلام فقاهتی " احساس خطر می کنند.

امتناع لچوپانه از آزاد کردن دگرانندیشان راهم که سال هاست بدون دلیل دنیاسند به زندان افتاده اند و مورد هولناک ترین شکنجه ها قرار گرفته اند از همین دیدگاه ، یعنی از وحشت رژیم از رسوائی پبشتر می توان توضیح داد. در این زمینه نمونه های زنده فراوانی یافت می شود. " حکام شرع " از قول زندانی نامه و مقاله و کتاب می نویسند ولی نویسندگان آنها را که گویا پزعم ایشان سراسر زندگی و پندار و گفتار و کردار گذشته خویش را نفی کرده و به مکتب حیات پخش " ولایت فقیه " گرویده اند یا مخفیانه اعدام می شوند و یا در زندان های انفرادی پراتر گرسنگی دائم و تحمل انواع زچرها می میرند.

پساری از هواداران زندانی مادارای هیچ فعالیتی در حزب نبوده اند و تنها پخاطر یکدندگی و دفاع آشکار از آرمان های خود و " عدم همکاری " پهنگام پاز چوئی ، به دستور " حکام شرع " تا حد مرگ " تعزیر " شده اند. ولی این رفقا هم پا اینکه حکم محکومیت ندارند تنها در صورتی آزاد می شوند که چند ماهی پبشتر از عمرشان باقی نمانده باشد. آنهم پا تهدیدات شداد و غلاظ علیه اعضای خانواده شان که اگر یک کلمه درپاره شکنجه ها صحبت کنند همه پشدت مجازات خواهند گردید. هدف از اینگونه " آزاد کردن " ها اینست که مسئولیت مرگ شکنجه شدگان به گردن شکنجه گران نیافتد.

یکی از هواداران حزب ما را که در آستانه کور شدن بود شپانه و پگونه ای دزدانه به نزدیکی خانه اش آوردند و در خیابان رها کردند و رفتند. تو گوئی اصلا زندانی رژیم نبوده است! پرسر رفیق " آزاد شده " دیگری چنان پلاهای آورده اند که به گفته یکی از دوستانش پکلی " مضحل " شده و چز پوست و استخوان و روحیه ای قوی چیزی از او باقی نمانده است.

چنین است چهره راستین " اسلام فقاهتی " در میهن پلاکشیده ما ایران. در زندانهای رژیم چیزهائی گذشته است و می گذرد که اگر پویژه از زبان قربانیان آن در مجامع بین المللی فاش گردد، سنگ روی سنگ تهلیفات رژیم پند نخواهد شد. از اینرو نباید انتظار داشت که روحانیت حاکم پمیل خود درهای زندان را پروی مخالفان سیاسی خود و پویژه کسانی که از قول آنان ارچیفی را منتشر ساخته پا ز کند، حتی اگر دوران " محکومیت " خود را نیز گذرانده باشند.

باید مهارزه در راه نجات زندانیان سیاسی و آزاد ساختن آنان از شکنجه گاهها را دو چندان کرد. باید رژیم را در تنگنا گذاشت و مجبور کرد همه کسانی را که بدون درد دست داشتن کوچکترین دلیلی ساهاست پشت شکه های آهنین گذاشته است رها سازد.

## بیکاری بهتر از کشته شدن

تعدادی از کارگران مجتمع گوشت " زیاران " بخاطر اینکه به چپه نروند کارشان را رها کرده اند. مدیران این مجتمع، بخصوص کارگران جوان را سخت نحت فشار قرار داده اند تا به چپه اعزام شوند، اما کارگران می گویند ما بیکاری و گرسنگی را به کشته شدن در چپه ترجیح می دهیم.

## "کشت و صنعت جبرفت" در آستانه ورشکستگی

شرکت کشت و صنعت، تولید کننده کمپوت و کنسرو، در آستانه ورشکستگی است و کارگران آن را خطر بیکاری تهدید می کند. یکصد و پنجاه میلیون تومان پدھی به بانک های کشور و عدم گشایش ارز از طریق سازمان صنایع مالی برای وارد شدن ورق مخصوص قوطی های کنسروسپس شده که تولید این واحد نسبت به سال های ۶۲ و ۶۳ به ده درصد پرسد. در شرکت یادشده، در دو واحد کارخانه و مزارع جبرفت، حدود ۲۰۰ نفر دائمی کار می کنند و با توجه به فصلی بودن محصولات، چندماه از سال حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفر کارگر فصلی استخدام می شوند. اما امسال بعلت خراب بودن وضع کارخانه فقط ۸ نفر کارگر فصلی بکار گرفته شدند. در سال ۶۴ کارگران این واحد توانستند با پی گیری زیاد تهیه طرح طبقه بندی مشاغل راه مدیریت شرکت بقبولانند. طرح توسط یک اکیپ سه نفره از کارگران و هیئت مدیره و نماینده سرپرستان کارخانه تهیه شد و پس از آن که مورد بررسی کارگران قرار گرفت برای تأییدیه وزارت کار فرستاده شد و بالاخره پس از یک سال - اوائل سال ۶۵ - مورد اجرا گذاشته شد. نتیجه این که حداقل ۲۰۰ ربال، با توجه به پایه استخدامی، به حقوق هر کارگر اضافه گردید. اکنون که شرکت در آستانه ورشکستگی و تعطیل قرار گرفته است کارگران دربگرانی پسر می پرند. مسئولان شرکت می گویند قوطی نیم کیلویی فلزی با درب آن، که در سال های ۶۲ و ۶۳ از " صنایع پسته بندی " و " کارخانجات گلشید " به قیمت ۱۵ ربال خریداری می شد حالا ۱۲ ربال خریداری می شود و شرکت از پرداخت این پول عاجز است. همچنین انجمن اسلامی و بسیج کارخانه - که جمعا سه عضو فعال دارد - هر دو هفته یکبار اکیبی از کارگران را برای دیدن دوره آموزش نظامی به پادگان های صحرائی می فرستد. این امر چهارمی است. بسیج شرکت در شرایط کنونی که رکود تولید وجود دارد، با تهدید کارگران به اخراج، می کوشد تا آنها را وادار به رفتن به چپه کند. کارگرانی که از یکسویا خطر بیکاری و از سوی دیگر با خطرات ناشی از رفتن به چپه روپرو هستند تاکنون اعتراض های پراکنده ای نسبت به وضع موجود کرده اند.

## استثمار کودکان و نوجوانان

تاپستان امسال کارخانه های پلاستیک سازی خیابان های اتحاد و سازمان آپ، واقع در چاده آب علی، به شدت کودکان و نوجوانان را استثمار کردند. صاحبان این کارخانه ها با دادن مزد بسیار کم روزانه ۱۰ الی ۱۲ ساعت از بچه ها کار کشیدند. حمل مواد، کارهای یدی سریع و موتناژ اسباب بازی های پلاستیکی از جمله کارهایی بود که به آنها ارجاع می شد. در بعضی از این کارخانه ها ۴۰ الی ۵۰ نفر از نوجوانان منطقه در مقابل ساعتی ۵ تومان بکار گرفته شدند. کارفرمایان با بچه ها خشن ترین برخوردها را داشتند و در مقابل کوچکترین نافرمانی آنها را کتک می زدند.

✱

گروهی از کارگران " صندوق نسوز کاوه " واقع در تهران نو، اخراج می شوند. صاحب این کارخانه که وسائل فلزی از قبیل گاوصندوق های کوچک و بزرگ، پلکان فلزی، فایلینگ و کاپینت های اداری تولید می کند، علت اخراج را " زبان " و " کمبود سهمیه مواد اولیه " اعلام کرده است. " صندوق نسوز کاوه " ۸۵ نفر کارگر و نقاش و پرسنل اداری دارد و در اختیار مالک قبلی است. چند نفر از کارگران اخراجی، که بابت باز خرید رقم ناچیزی، به آنها داده شده است، به وزارت کار مراجعه و شکایت کرده اند.



## اعتصاب در کشتی سازی

حقوق کارگران کشتی سازی بندر عباس گاهی تا چند ماه پرداخت نمی شود. از سال پیش تاکنون در این واحد دوبار اعتصاب شده است. کارگران پار اول که دریافت حقوقشان سه ماه عقب افتاده بود، پمدت ۲۵ روز در محل کارشان حاضر شدند، اما کار نکردند. در نتیجه توانستند حقوقشان را بگیری. پار دوم پس از ۵ ماه تعویق در پرداخت حقوق، دیگر بار اعتصاب شد و این بار با مدت طولانی تر. تا آن که نهی، وزیر صنایع سنگین، به بندر عباس رفت و در جریان سفر وی روسای کشتی سازی ناگزیر از پرداخت کارمزد عقب افتاده کارگران شدند.

## ارتباط گرانی نخ با بیکاری کارگران

هر روز پرتعداد بیکاران و اخراجی ها در میان کارگران بافنده سوزنی افزوده می شود. صاحبان تولیدی ها پنهان می کنند که نخ و مواد اولیه گران شده و ما نمی توانیم با سرمایه خود ریسک کنیم. مالک یکی از تریکوبافی ها، که ۱۸ کارگر دارد، با تکیه بر چنین استدلالی می گفت، ما چاره ای نداریم جز آن که کارگران اضافی را اخراج کنیم. صاحبان این نوع تولیدی ها ترجیح می دهند تا نخ و مواد اولیه سهمیه خود را در " بازار آزاد " به چند پراپر قیمت بفروشند و پول خوبی به چیب بزنند. چیزی که پرایشان کمتر اهمیت دارد سرنوشت کارگران است. تاکنون اعتراض های زیادی از طرف کارگران بافنده سوزنی به صاحبان تولیدی ها و در مخالفت با گران شدن نخ از چنانچ دولت شده است.

## اخراج ۲۲ کارگر از "جواهریان"

" جواهریان "، سازنده کاپینت و اچاق کاز و لوازم اداری نیبی از کارگران نقاش، وردست نقاش (پیستوله کار)، ورق کار و چوشکار - پالغ پر ۲۲ نفر - را از کار اخراج کرد. حاج جواهریان، صاحب کارخانه، علت اخراج کارگران را گران بودن مواد اولیه، از جمله ورق و لوله رنگ و ... عنوان کرده است. کارگران اخراجی که پول ناچیزی به آنها پرداخت شده بود به وزارت کار شکایت کردند و کارشان در پیچ و خم اقدامات اداری گیر کرده است.

## در "صنایع ظرفشویی گلی"

محصولات کارخانه " صنایع گلی " در " بازار آزاد " عرضه و به چند پراپر قیمت فروخته می شود، اما حقوق کارگران این واحد همواره دیر پرداخت می شود و مزایای لازم به آنها تعلق نمی گیرد. کارگران صنایع ظرفشویی " گلی "، که نیبی از آنها زن هستند، تاکنون چندین بار به مدیریت کارخانه اعتراض کرده اند و کارفرما را مجبور کرده اند که حقوق آنها را بموقع بپردازد، اما تعویق پرداخت دائما تکرار می شود. قیمت رسمی مایع ظرف شویی " گلی " که مقداری از آن برای نهادهای دولتی فرستاده می شود، ۱۸ تومان و قیمت آن در " بازار آزاد " ۴۵ تومان است.

## به اتهام "دزدی" جلوی چشم مشتریان مغازه یک ایرانی را خفه کردند

اختناق و ترور پلیسی، تعقیب، پیگرد و آزادی کشتی، سرکوب، شکنجه و زندان، چنگ و کشتار و ویرانی، گرانی و تورم سرسام آور، پیکاری و بی خانمانی فزاینده، وضع فاجعه بار آموزش و بهداشت و درمان از جمله علل اساسی مهاجرت گروه بزرگی از هموطنان ما به خارج از کشور و تلاش برای به ثمر رساندن تقاضای پناهندگی خود در کشورهای گوناگون از جمله در کشورهای امپریالیستی همانند آمریکا، آلمان فدرال، فرانسه و پورتوگال است.

رخت پرپستن از سرزمینی که رژیم خمینی آنرا به چهنم خلق تبدیل کرده است و کوچ به سرزمین کشوریایی که در آنها سرمایه حکومت می کند، بدون تردید با رنجها و دردها و حرمانها و فحایع دلخراشی همراه است. نیازی به بیان نیست که عموماً زندگی کردن در غربت به دور از زادگاه و زیستگاه و هم میهنان و بستگان خویش، برای انسان مطبوع و دلخواسته نیست و اگر به دلایل و انگیزه های گوناگون سیاسی و اجتماعی تن به مهاجرت می دهد، مسهب اصلی آن رژیم ضد مردمی حاکم است و پیر این بنیان هر ناروایی که متوجه مهاجران و پناهندگان گردد، مقصر اصلی پاهزم رژیم است. خفه کردن یک پناهنده ایرانی به اتهام "دزدی" پدست سه تن از کارکنان یک فروشگاه مواد غذایی در شهر توپینگن آلمان فدرال از جمله آخرین فحایعی پشمار می رود که در متن زندگی پررنج پناهندگان روی داده است. قتل این جوان ایرانی در واقع در پستر کارزارهای دیوانه وار تبلیغات نژادپرستانه و ضد خارجی ای صورت می گیرد که محافل ارتجاعی حاکمه آلمان فدرال برای انحراف افکار عمومی از پدیده های پحرانی ذاتی نظام سرمایه داری همانند پیکاری و فقر روزافزون به آنها دامن می زند.

قتل یک هموطن پیگناه که قربانی سیاست ضد دموکراتیک و ضد مردمی رژیم گردیده است، علی الاصول باید خشم محکوم ساز هر ایرانی آگاه را بر ضد دستگاه حاکمه شعله ورتر سازد، حال آنکه در جمهوری اسلامی قلم به مزد آن رژیم به نشخوار همان ترهاتی می پردازند که خهرگزاری جمهوری اسلامی از زهان قاتلان آنها منعکس ساخته است.

در شرایطی که رژیم و مزدوران مطبوعاتی اش علناً از سیاهکاری های پلیس کشورهای ارتجاعی و امپریالیستی در تحت فشار قرار دادن مهاجران و پناهندگان در حرف و در عمل پشتیبانی بعمل می آورند، و حتی برای گرفتار ساختن آنها با برخی از کشورها، از جمله ترکیه و پاکستان "بیمان های امنیتی" می پندند، شایسته است نیروهای انقلابی و دموکراتیک با صفوفی متحد و یکپارچه به افشاء ماهیت فحایعی که پر مهاجران می رود بپردازند و پرده از سیمای کریه سهب سازان اصلی آنها فروکشند.

اخراج های بی رویه، پرداخت سهمیه سالانه کاشی به کارگران، تامین بهداشت و درمان و رعایت مسائل ایمنی دردستور کار مهارزه آنها قرار دارد. آنها همچنین خواهان پرداخت حقوق مربوطه مرخصی سالانه خود که سه سال به تعویق افتاده هستند.

### "الیاف" نیمه تعطیل است

کارخانه الیاف، واقع در چاده قدیم کرچ، پعلت کمبود ارز نتوانسته است مواد اولیه کارخانه را که عمدتاً از آلمان فدرال وارد می شد، تامین کند. از اینرو این کارخانه، که حدود ۱۷۰۰ کارگر و کارمند دارد، بعد از ۶ ماه در حالت تعطیل پسر بردن، در حال حاضر نیمه تعطیل است. مدیریت کارخانه، کارگران تازه کار را بدون پرداخت دیناری اخراج کرده است و کارگران پاسا پغه و قدیمی را با ایجاد چوفشار و ارعاب و ادار به رفتن به چهبه می کند.

## کارگران "مالت" و خطر بیکاری

مدیریت "شرکت مالت" فشارپیش از حدی به کارگران شرکت وارد می سازد تا آنان را وادار به رفتن به چهبه های چنگ بی بازگشت کند. اما کارگران نیز ساکت ننشسته و بصورت متحد درمقابل تمام تهدیدها و فشارهای مدیریت ایستادگی می کنند. با این وصف، مدیریت کارخانه تعدادی از کارگران را دست چین کرده و رسماً از آنان خواسته است که یا به چهبه بروند تا آمار اعزام به چهبه شرکت بالا برود و یا حکم اخراج دریافت دارند. کارگران در پاسخ گفته اند: "ما حاضر نیستیم چان خود را از دست پدهیم و خانواده خود را بی سرپرست بگذاریم برای اینکه چنپحالی به قیمت خون ما محیط رژیم را چلب کنی".

ناگفته نماند که علیرغم تلاش های کارگران، مدیریت شرکت مالت پاحایت سپاه و کمیته و اداره کار تعدادی از کارگران راهب علت خودداری از رفتن به چهبه اخراج کرده است.

## مبارزه در کاشی سعدی ادامه دارد

اعتصاب کارگران "کاشی سعدی" مسئولان کارخانه راهبهدت هراسان ساخت. عوامل رژیم در کارخانه سعی کردند حرکت کارگران را مهار و خواسته های آنان را لوٹ کنند، اما نتوانستند. کارگران به وزارت کار، نخست وزیر و مجلس شکایت کردند. در این ارتباط شخصی پنام صنائی مامور رسیدگی به پرونده کارگران شد و با پند و پست قبلی و بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران، انجمن اسلامی و هیات مدیره و شورای کارگری به نخست وزیری رفتند، (این امر موجب اعتراض شدید کارگران شد). صنائی در چلسه یادشده بدون آن که به خواسته های صنفی کارگران اشاره ای کند به تهدید پرداخت و پگیر و پهند افراد "مشکوک" و "اعتصابگر" را پیش کشید. او گفت این کمونیست ها هستند که در میان کارگران مسلمان رخنه می کنند و سعی دارند کارخانه را به آشوب پکشند. شما باید هشیار باشید و هرگاه اعتصابی رخ داد باید دقیق عمل کنید و حتی از ارکان ما کمک پخواهید. پس شیرینی از قهل تهیه شده بین حاضران پخش شد و اعضاء انجمن اسلامی و شورای اسلامی کار و هیئت مدیره صورت یکدیگر را پوسیدند، بدون آن که خواسته های کارگران را مورد تأیید قرار دهند. پس از آن که کارگران از نتایج جمع شدن فرمایشی در نخست وزیری پا خهر شدند، موج اعتراضشان بالا کشید و بعد از نهار تعداد زیادی می خواستند از ادامه کار سرپاز زنند. آنها می گفتند: چرا خود ما و کسانی که ما آنها را قبول داریم نباید حرف هایمان را پزنیم. وزارت کار و نخست وزیری همه از سرمایه داران حمایت می کنند. آنها هیچوقت از حقوق ما کارگران دفاع نخواهند کرد. آنها معتقد بودند که تا خواسته های کارگران تحقق پیدا نکند نباید از حرکت باز ایستاد. نباید میدان را به فرصت طلب ها داد. عوامل رژیم می خواهند ما را فریب پدهند، نباید فریب آنها را پخوریم.

در ادامه اعتراض ها، ۴۵ نفر از کارگران این واحد، با پیش از ۱۰ سال سابقه کار، تهدید به اخراج شدند. تصمیم مدیریت که اعتصاب را از ناحیه آنها می دانست این بود که در مقابل پرداخت ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان "حق پاز خرید" برای همیشه از شر کارگران "ناراحت" خلاص شود. اودر مقابل کارگران مخالف این تصمیم گیری می گفت چنانکه سازمان دهندگان اعتصاب را معرفی کنید تصمیم عوض خواهد شد. اما تیرش به سنگ خورد. کارگران مذکور از دادن هر نوع اطلاعاتی سرپاز زدند. کارگران "کاشی سعدی" به سختی از حقوق خود دفاع می کنند و مضرانه خواستار دستیابی به حقوق قانونی خود هستند. پکوش آنها اضافه کاری بدون دستمزد از برنامه کارخانه حذف شده و اینک طرح طبقه بندی مشاغل، چلوگیری از

طبقه کارگر متحد همه چیز. طبقه کارگر متفرق هیچ چیز!

## ماجرای دو \*\*\*

اختلاف در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران گردد" معرفی شدند.

در ۲۸ اسفند ۶۵ روزنامه جمهوری اسلامی "چناخ پندی مشخصی در سطوح مختلف جمهوری اسلامی را که "مرچب اختلاف و درگیری در جامعه می‌باشد" به این دو گروه و همفکران آنها نسبت داد و خواست تا "توطئه گران" به سزای خود برسند. هدف نویسنده روزنامه جمهوری اسلامی از محدود کردن چناخها به این دو گروه و همفکرانشان در واقع ناچیز شمردن و یا ساختگی جلوه دادن اختلافهای عمیق در درون حاکمیت بود و می‌خواست چنین تبلیغ کند که گویا با دستگیری این دو گروه به اختلافها و درگیریها نیز نقطه پایان گذاشته می‌شود. "جمهوری اسلامی" تاکید کرد که "همفکران احمد کاشانی از بازداشت مهدی هاشمی بسیار خوشحالند و اربابزادگان احمد کاشانی بسیار دلگیر و همفکران مهدی هاشمی از بازداشت احمد کاشانی بسیار خوشحال شدند و از بازداشت مهدی هاشمی بسیار غمگین. این چیزی بود که در پیمانیه های چناخها و حتی انعکاس آنها در برخی مطبوعات نیز به خوبی مشهود بود... به این ترتیب مسئولان مربوطه خوب است به اعمال بقایای گروههای انحرافی و توطئه گر مهدی هاشمی و احمد کاشانی نیز توجه داشته باشند و به آنها مجال ارائه راه همفکران بازداشت شده شان راندهند". صرف نظر از نگرش و تبلیغ رندانه چ.ا. در زمینه یاد شده و خطادان به ارگانهای اطلاعاتی برای دستگیری گروهی از مخالفان سیاست رژیم در ارگانهای گوناگون چ.ا. ، ما پر آنیم که محاکمه این دو گروه به عنوان یکی از وجوه درگیری و اختلاف میان چناخها در عرصه معین مطرح بوده و حدت برخورد دو چناخ در چریان این محاکمه به خوبی آشکار شد، اما نتیجه امر به نفع چناخ مدافع احمد کاشانی تمام شد و این در نتیجه محاکمات دیده می‌شود.

بازتاب نظریات در روزنامه های مجاز و موضع گیریهای چناخها گوناگون در مجلس و چاهای دیگر نشان داد که پاند "رسالت" و طرفداران "اسلام فقهاتی" عموماً از احمد کاشانی چانه داری می‌کردند و می‌کنند. اما طیف طرفداران مهدی هاشمی از این دسته نیستند و بیشتر آنها از زمره پاسداران و طلاب چون در مدارس حوزه علمیه قم و اطرافیان منتظری و برخی چریانهای دانشجویی و غیره هستند.

همانطور که در آغاز اشاره شد، گروه مهدی هاشمی پس از افشای ماجرای سفر مک فارلین و در چریان بند و پست پشت پرده، رژیم چ.ا. با ایالات متحده امریکا، یعنی ماجرای "ایران گیت" در دژ اطلاعاتی چ.ا. گرفتار آمد. این گروه در دادن اطلاعات به حسن صهرا، سردبیر نشریه "الشراع" و علنی شدن مناسبات مخفی تهران و واشنگتن نقش مهمی را ایفا کردند و رسوایی پزرگی که دامنگیر سران مرتجع رژیم چ.ا. شد موجبات مرگ مهدی هاشمی، سرپرست گروه، را فراهم کرد و ای پسا به مرگ افراد دیگری از این گروه نیز بیانجامد. لازم به

## داستان غم انگیز بهداشت \*

افزایش جمعیت کشور تا حدود ۵۰ میلیون نفر و فرار نیروهای متخصص، امکانات بهداشتی و درمانی موجود به هیچ وجه متناسب با افزایش جمعیت نیست.

دسترس عمومی مردم و پویژه کارگران و زحمتکشان به همین امکانات ناچیز موجود هم وضع بی سروسامان و دردناکی دارد. چنانکه پیش از این هم گفته شد از ۵۸۹ مرکز درمانی موجود، ۱۱۴ مرکز درمانی خصوصی است که گرانی سرسام آور هزینه درمان و تخت و پزشک، استفاده از آنها را برای اکثریت عظیم مردم غیر ممکن می‌کند و برای بستری کردن بیمار باید ابتدا پیش پرداختهای چهار هزار تومانی پرداخت: "اول که رسیدیم تا اسم مجروح تصادفی آمد، گفتند باید چهار هزار تومان بدهید تا او را بخواهیم..." (اطلاعات ۲۹ مهر ماه ۶۵) حتی در بیمارستانها و درمانگاههای دولتی هم قیمتهای گزافی برای خدمات طلب می‌کنند که پرداخت آن از عهده هرکسی پر نمی‌آید: "برای عملی به بیمارستان مراجعه کردم پاپت پیبوشی ۹۶۰۰ ریال و پاپت حق العمل ۲۶۵۰۰ ریال از من پول گرفتند..." (کیهان ۱۱ تیر ۶۶) این قیمتها طبق تعرفه های جدید وزارت بهداشت، درمان، آموزش پزشکی است که دو پراپر تعرفه های سال ۱۳۶۲ است. اما هر کسی هم نمی‌تواند از همین خدمات درمانی استفاده کند. بیماران باید شپها رختخواب خود را پشت در بیمارستان پهن کنند تا شاید صبح روز بعد نوبت بگیرند، اما نه برای فردا: "... الان بیمارستان امیر اعلم... برای برخی عملهای چراحی تا ۹ سال بعد وقت می‌دهند... بیمارستان قلبی به بیماران قلبی تا سه سال دیگر وقت می‌دهند که برخی از آنها تا ۲۴ ساعت بعد هم معلوم نیست زنده باشند." (کیهان ۱۶ تیر ۶۲) اما وصف اوضاع وحشتناک درمان

یادآوری است که در همین رابطه حسن صهرا نیز مورد سوء قصد عوامل "حزب الله" در لبنان قرار گرفت. گروه مهدی هاشمی، علاوه بر "چرم بزرگ" یادشده "چرم" های دیگری نیز مرتکب شده بود که کفه محکومیت ایشان را سنگین تر کرد. از آن جمله اند مخالفت با جنگ، مقاله با "خط آمریکا در سپاه"، انتقال "افکار تند" به طلبه های مدارس علمیه قم، انتشار و تکثیر اعلامیه هایی در افشای رژیم با مضمون کلی مخالفت با سیاست آن و غیره. پیش کشیدن پرونده قتل در قتل و عهد از انقلاب و انتساب به "ساواک" و دیگر مسائل در واقع پهنانهایی "شرعی" برای مجازات گروهی بود که پا را از گلیم خود فراتر گذاشته بود.

پرونده احمد کاشانی نیز اظهر من الشمس است و نیاز به مرور مجدد ندارد. همین قدر که این شخص دست پرورده چاسوس و خائن پناهی چون مظفر بقائی است، ماهیت او را روشن می‌کند. تجربه نشان داده که امروز هم بر اثر خیانت رهبران مرتجع چ.ا. به آماجهای انقلاب دور دور پقائی ها و نوچه های آنهاست.

بیماران به همینجا ختم نمی‌شود. حتی اگر کسی بتواند از سد نوبت و خرج بیمارستان و پزشک بگذرد، دسترسی به دارو خود معجزه ای است که شامل حال هر کسی نمی‌شود. پزشک کودکان درمانگاه استخر، به گزارش روزنامه کیهان ۱۵ تیر ۶۶ می‌گوید: "... ما نسخه می‌دهیم ولی اکثر داروها که استفاده عامه دارد و اوزانس هم هست مثل سرم، آنتی بیوتیکها، داروهای ضد اسهال و حتی پنی سیلین گیر بیماران نمی‌آید."

در شرایط دردناک زندگی در میهن ما و از جمله وضع اسفناک بهداشت و درمان میانگین عمر در ایران ۲۵ تا ۴۵ سال است (آمارهای سازمان ملل متحد) که آمارهای رسمی دولتی آنرا به دروغ ۵۷ سال اعلام کرده اند. طبق آمارهای موجود در سال ۶۲، ۸۰ تا ۱۰۰ هزار مسلول در سطح کشور وجود داشتند. "تعداد بیماران چذامی در ایران حدود ۴۰ هزار نفر پرآورد شده است که طبق آمار ثبت شده تا پایان سال ۶۲ تعداد ۱۰۴۰۰ نفر آنان شناخته و تخت درمان قرار گرفته اند (کیهان اول بهمن ۶۵).

اما از همه وحشتناکتر آمار مرگ و میر کودکان است. "در ایران در هر دو دقیقه و ۱۵ ثانیه یک کودک کمتر از یک سال می‌میرد" (کیهان ۲۲ فروردین ۶۲). از هر هزار کودک که پدیا می‌آیند ۱۲۰ نفر از آنها تا پنج سالگی می‌میرند. و با توجه به وخامت روزافزون شرایط بهداشتی و خسارات و ضایعات ناشی از جنگ این آمار اکنون باید پسی پیش از اینها باشد. درد و رنجی که از این ماتم پر میهن پلاکشیده ما میگذرد با چند کلمه به بیان در نمی‌آید. این داستان چنانگاز را باید از مادران و پدران ماتمزده پرسید تا عظمت فاجعه روشن شود. و در چنین شرایطی است که سران چنایت پیشه جمهوری اسلامی با دمیدن در کوره جنگ، همین امکانات محدود و نارسای موجود را هم از دسترس مردم خارج می‌کنند و به چپه ها اختصاص می‌دهند.

بهترین راه تامین بهداشت، پیشگیری و جلوگیری از ابتلا به بیماری است. با ایجاد شبکه فاضلاب بهداشتی، تامین آب آشامیدنی سالم، تامین مسکن بهداشتی و پالاخره تغذیه کافی و دارای کیفیت مطلوب می‌توان از ابتلای مردم به بیماری های مختلف جلوگیری کرد. اما در چ.ا. از هیچ یک از اینها خبری نیست. امروز پیش از دو میلیون آواره جنگی در اردوگاههای زندگی می‌کنند که در آنها از بهداشت خبری نیست. ۱/۵ میلیون خانواده ۵ نفره در کبرها و حلبی آبادها زندگی می‌کنند که در آنها از بهداشت نمی‌توان سخنی گفت. ۷۰ درصد از روستاهای ایران فاقد آب آشامیدنی سالم و تصفیه شده هستند و همین خود عامل شیوع انواع بیماریهاست.

وضع بهداشت و درمان در زابل اگرچه از نمونه های پایینتر از حد متوسط است، به هیچ وجه در چ.ا. استثنایی نیست. "رئیس شهک پهداری زابل خاطرنشان ساخت: بیماریهای شایع این شهرستان بیماریهای میکروبی و انگلی، سوء تغذیه، بیماریهای پوستی و تراخم می‌باشد که

## باز هم یاوه‌گوئی درباره کمونیست‌ها

این هم انتظار نمی‌رود که با نبرنگ بازی قبائی را به تن کمونیست‌ها بی‌پوشانند که هم اکنون بر تن شماری نه اندک از دست اندرکاران و دولتمردان ج.ا. است.

او در حالی که بر چسب بی‌مسای و ابستگی به غرب را به کمونیست‌ها می‌زند، آنجا که صحبت از وابستگی رژیم به کشورهای امپریالیستی پیش می‌آید، ادعا می‌کند که "ما کمتر از دوران شاه وابسته به خارج هستیم". در افشای این دروغ نیازی به تکرار مکررات نیست. امروز کمتر کسی است که از مسائل اقتصادی کشور سر در بیاورد و نداند که طبق آمارهای منتشر شده از جانب خود رژیم بیش از ۸۰ درصد روابط اقتصادی ج.ا. با بازارهای امپریالیستی و ارتجاعی است و همین کشور آلمان غربی بیشترین سهم را در این روابط داراست. بنابراین دعوی وابستگی "کمتر از دوران شاه" مثل "وابستگی کمونیست‌ها به غرب" سخنان یاوه‌ای بیش نیست که هر از چندی بر زبان امثال رفسنجانی‌ها جاری می‌شود. رفسنجانی خوب می‌داند، آنچه که کمونیست‌ها را در برابر رژیم ج.ا. قرار داده است، از جمله این است که این رژیم نیز پا جای پای رژیم شاه گذاشته و روند وابستگی اقتصادی به غرب را دنبال می‌کند. روندی که نمی‌تواند به وابستگی سیاسی نینجامد.

متن کوتاه شده مصاحبه رفسنجانی با "دی ولت" در ضمیمه "اطلاعات" چاپ شد، بدون آنکه اشاره‌ای به کوتاه شدن متن شده باشد. ما پیرانیم که روزنامه "اطلاعات" بی دلیل دست به این کار نزده است. "مرد نیرومند" رژیم ایران از جمله درباره کمونیست‌ها سخنانی گفته است که انتشار آن در داخل کشور چیز تمسخر و استهزاء مردم آگاه نتیجه‌ای در پی ندارد.

رئیس مجلس شورای اسلامی در گفتگوی خود با "دی ولت" ادعا کرد که "سیا" از میان اپوزیسیون ایران از جمله به کمونیست‌ها "کمک می‌کند و پول می‌دهد" و وقتی با تعجب خبرنگار مخاطب خود روبرو شد، افزود: "کمونیست‌های ایران هم وابسته به غرب هستند". او با آن که می‌دانست حریفش خیلی خوب آگاه است که آب کمونیست‌ها با "سیا" هرگز در یک جوی نخواهد رفت، ماهرانه کوشید تا با سفسطه و پشت هم اندازی، کمونیست‌ها، سلطنت طلب‌ها و برخی کمونیست‌ها را که "شعار چپ می‌دهند اما بعضی وقتها هدف‌های خیلی راست دارند" دارای ماهیت و هدف‌های یگانه قلمداد کند. همچنین باناچیز شدن مخالفان رژیم، از جمله در ارتش، و دعوی اینکه خلق کرد از رژیم "پشتیبانی" می‌کند چنین القا کند که گویا رژیم ج.ا. جای پای محکمی در جامعه دارد و بنابراین کنسرتهای آلمانی دلیلی ندارد که از آینده بی‌مناک باشند.

رئیس مجلس بی‌بوهه می‌کوشد تا با هزار ترفند و دوز و کلک وصله "ناجور" وابستگی به غرب" و گرفتن کمک و پول از "سیا" را به کمونیست‌های ایران بچسباند و آنها را در ردیف ضدانقلاب شکست خورده و از صحنه کنار رفته بگذارد. حتی، چنانکه اشاره شد، خبرنگار "دی ولت"، روزنامه ارتجاعی و ضد کمونیستی، به او می‌گوید: "سیا" حتماً به جنبش مقاومت کمونیستی کمک نمی‌کند". این در حالی است که اثبات همکاری برخی دولتمردان ج.ا. با "سیا" کار ساده‌ای است و نتایج گذرا به ماجرای "ایران کبیت" و نیز سوابق "مبارزاتی" آنها در آمریکا سر نخ‌های لازم را بدست می‌دهد. هنوز مردم فراموش نکرده‌اند که خرد آقای رفسنجانی در پیگیری و پیشبرد "دیپلماسی مخفی" با ایالات متحده، آمریکا از طریق "سیا" نقش اصلی را بعهده داشت و تنها در جریان یک معامله، اسلحه ۶ میلیون دلار "کمیسون" گرفت.

از سران مرتجع رژیم که در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) در "عملیاتی مخفی" لیست رهبری و کادرهای درجه اول حزب توده، ایران را بعنوان "جاسوس" از "سیا" دریافت کردند و یورش فاشیستی به حزب ما را سازمان دادند و این خیانت خود را "اعجاز ... به هدایت حق تعالی و عنایات خاصه" ولی‌الله‌العظم‌ارواح‌افاده... نامگذاری کردند، جز

اکثر این بیماریها در ارتباط با آلودگی آب و هوا و فقر تغذیه می‌باشد... بیماریهای عفونی... یا توجه به چاری بودن فاضلابها در سطح خیابانها چنان هزاران نفر را تهدید میکند." (رسالت ۶۶/۲/۲۰) به نوشته همین روزنامه "شهرستان زاپل با جمعیتی بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر فاقد زایشگاه است".

پیش از نیمی از مردم میهن ما در مناطق روستایی و شهرهای کوچک زندگی می‌کنند. نمونه‌های تغذیه در گروه‌های روستایی و عشایری نشان‌دهنده عدم دسترسی به غذای کافی و کیفیت پسیار پدترکیب مواد غذایی است، اگرچه امروز در شهرها هم بسیاری از مواد غذایی مانند گوشت، پرنج، کره و... کمیاب است و قیمت‌های سرسام‌آوری دارد. گزارش روزنامه جمهوری اسلامی از منطقه "گیشدان" واقع در پندر چاسک نمونه دردآوری است که در بسیاری از روستاهای ایران نظیر آن را می‌توان دید:

"آب آشامیدنی را از کجا می‌آورید!  
- از همین پرکه‌ها و آپگیرها آقاچان!  
- این آبها خوردنی است!  
- پرای شما نه! ولی ما چاره‌ای نداریم  
- وقتی مریض می‌شوید چکار می‌کنید!  
- هیچ آقاچان می‌میریم!!"  
(روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ تیر ۶۶)

پخشدار چاسک در پختی از همین گزارش می‌گوید:

"پچه‌ای را از گیشدان آوردیم که ظاهراً شش ماهه به نظر می‌رسید اما آن پچه سه ساله بود، وقتی از پدرش پرسیدیم به این پچه چی میدی پخوره! گفت: دیروز بعد از ظهر یک استکان شیر "پز" پشه دادم و تا امروز ظهر چیزی نخورده..." (همانجا)

در همان کشوری که کودک سه ساله گیشدانی ۶ ماهه پنظر می‌رسد و در شپانه روز یک استکان شیر پز می‌خورد "اگر سفره‌های افطار مملو از چلوکباب سلطانی، چوجه کباب، پره پریان در میان سفره با آنهمه مضافات گسترده نمی‌شد، اگر تشریفات را برای همگان حذف می‌کردند، اگر برای مسافرت‌های سیاحتی، تجارتی، زیارتی حساب دیگری غیر از آنچه که هست باز می‌کردند، کودک یا کودکانی از پی غذایی ضعف نمی‌کردند و یا از پی دوائی نمی‌مردند." (کیهان ۱ مرداد ۶۶)

اینست سیمای تمام نمای عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی که آنهمه درباره آن هیاهو می‌کنند. چنین است کارنامه سیاه "رهبر مستضعفان جهان" و پیروان او.

بیکر نیمه چنان کودک گیشدانی، روزی دست‌های خالی و ناچار کشاورز چاسکی را از آستین پیرون خواهد آورد و پر گردنهای پر چربی پرخوران مفتخواری که پر سفره‌های افطار پراز چلوکباب سلطانی می‌نشینند خواهد کوفت تا دیگر مجبور نشاشند به کودکان خود در ۲۴ ساعت تنها یک استکان شیر پز بدهند.

شعر رسیده از ایران

## دستگیری

پا مرکز تماس گرفت.  
- دستگیرش کردیم  
خانه‌شان هم تسخیر شد  
- زمان؟  
آن هنگام که نسیم سحر  
به دیوارهای خسته و فروریخته  
خسته نشاید می‌گفت.  
- آن هنگام که خورشید  
می‌رفت پرهام گلین منزلشان پوسه زند  
- مدرک چرم؟  
- پرگلیمی مندرس خفته بود  
حتی پی پالشی زیر سر  
پدرش پریزگراست  
و خودش آهنگر  
از این رو  
داسی و چکشی در طاقچه خانه اش یافتیم  
چه مدرکی از این بالاتر!

بیجان ۶۶/۵/۱۸

## جاوید باد

خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

## تشکیل سازمان اجتماعی عمومی کشورهای عربی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق

روزپست و نهم سپتامبر در قاهره پایتخت مصر یک "یک گروه غیردولتی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق" که یک سازمان اجتماعی متشکل از همه کشورهای عربی است تشکیل شد.

در این گروه رجال معروف سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی شرکت دارند. از جمله فرید ایوموسی، دبیرکل اتحادیه وکلای عرب، محمود ریاضی، دبیر سابق اتحادیه اعراب، ژنرال سوار الذهب، رهبر سابق شورای موقت نظامی سودان خالد محی الدین، دبیر کل حزب ملی مترقی چپ مصر و نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین، کویت، اردن، قطر و دیگر کشورهای عربی.

در کنفرانس مطبوعاتی که در پایتخت مصر تشکیل شد اعضای کمیته اجرایی سازمان اعلام کردند که وظیفه اصلی خود را اجازه ندادن به گسترش و پهن شدن درگیری در خلیج فارس می‌دانند و تمام تلاش‌های لازم را خواهند کرد تا مسایل مورد مناقشه میان طرفین درگیر از راه مسالمت آمیز حل شود.

سخنگوی کمیته اجرایی اعلام کرد که "گروه غیردولتی" از دم تا دوازدهم اکتبر یک کنفرانس عمومی عربی در خارطوم برگزار خواهد کرد. در این کنفرانس امکانات و حدت تلاش‌ها به منظور حل مسالمت آمیز مسایل مورد مناقشه میان ایران و عراق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### کامیابی تازه برای

### جنبش کمونیستی و کارگری ترکیه

### تشکیل حزب کمونیست متحد ترکیه

"حزب کمونیست ترکیه" و "حزب کارگری ترکیه" با انتشار اطلاعیه‌ای در پروکسل، اعلام داشتند که روند وحدت و یکپارچگی دو حزب با هدف ایجاد حزب واحد که از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، به فرجام رسید و این دو سازمان طبقه کارگر در "حزب کمونیست متحد ترکیه" در هم ادغام شدند.

این اطلاعیه را حیدر کوتلو، دبیرکل حزب کمونیست ترکیه و پهبچه پوران، دبیرکل حزب کارگری ترکیه امضا کرده‌اند.

حزب ما، ضمن آنکه این موفقیت بزرگ و ارزشمند جنبش کمونیستی و کارگری ترکیه را به بیکارگران راه رهایی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ترکیه تبریک می‌گوید، برای آنها کامیابی‌های بزرگتر و پازم بزرگتری در راه مهارزه پخاطر صلح و سوسیالیسم آرزو می‌کند.

## تظاهرات صلح در میدان حقوق بشر پاریس علیه جنگ ایران و عراق

پا فراخوان کارزار بین المللی برای صلح و دمکراسی در ایران و عراق، در میدان حقوق بشر پاریس پمناسهت هفتمین سالگرد جنگ، تظاهراتی علیه جنگ ایران و عراق و علیه تشنج در خلیج فارس برپا گردید.

تظاهرکنندگان با شعارهای: "قطع فوری جنگ و اختناق را خواستاریم"، "کشتی‌های خارجی باید از آب‌های خلیج فارس خارج شوند"، "ما خواستار آزادی زندانیان سیاسی هستیم"، "ما خواهان صلح و دمکراسی هستیم" پشتیبانی خود را از مردم ایران و عراق ابراز داشتند.

خهر تظاهرات در روزنامه "اومانیته" ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه و "وی اووریر" ارگان سندیکای مرکزی کارگران درج گردید.

## هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جشن "اونیتا" ارگان حزب کمونیست ایتالیا

امسال، در جشن روزنامه "اونیتا" در "پلونیا" پنا به دعوت حزب کمونیست ایتالیا، یک هیئت نمایندگی از سوی حزب توده ایران نیز شرکت داشت که طی دیدار کوتاهی با شهردار "پلونیا" مسائل جنگ و سیاست جنگ طلبانه ج.ا. را تشریح و از اقدامات صلح خواهانه کمونیست‌های ایتالیا در خلیج فارس سپاسگزاری کرد. رفیق ناتا، دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا ضمن سخنرانی از جمله در مورد خلیج فارس گفت که آزادی کشتیرانی در خلیج فارس تنها بشرط پایان جنگ ایران و عراق و خروج تمام نیروهای مستقر در آب‌های خلیج فارس می‌تواند تامین شود.

## همبستگی پرشور جوانان و مردم یونان با مردم ایران

فستیوال سالیانه جوانان کمونیست یونان از شانزدهم تا بیستم سپتامبر با شرکت صدها هزار تن از جوانان مترقی یونان در آتن برگزار گردید. نماینده سازمان جوانان توده ایران نیز از جمله مهمانان خارجی این فستیوال برشکوه بود. هزاران تن از جوانان مترقی یونان طی این پنج روز با سرزدن به غرفه جوانان توده ایران همبستگی پرشور خود را با مبارزات قهرمانانه مردم و جوانان ایران در راه سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشتند.

## ده هزار نفر از غرفه ایران در جشن "اومانیته" دیدار کردند

در روزهای ۱۲ و ۱۳ سپتامبر جشن روزنامه "اومانیته" ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه برگزار شد. جشن امسال "اومانیته" یکی از موفق‌ترین گردهمایی‌های سیاسی، فرهنگی و هنری سال‌های اخیر در فرانسه بود.

غرفه مشترک "نامه مردم" (ارگان مرکزی حزب توده ایران) و "کار" (ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) مزین به شعارهای صلح و دمکراسی با استقبال فراوان روبرو شد.

رفیق پل لوران، عضو هیئت سیاسی و دبیر حزب کمونیست فرانسه ضمن بازدید از غرفه ایران حمایت کامل حزب کمونیست فرانسه را از مبارزات مردم ایران و به ویژه حزب توده ایران اعلام کرد.



### به برنامه‌های

## رادیوی زحمتکشان ایران

### گوش فرادهید!

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان! رادیو زحمتکشان ایران بانگ رسا و زبان بی‌بند و آزاد توده‌های رنجبر میهن ماست. به برنامه‌های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهید و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادیوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ پمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردیف ۲۸ متر (۱۰۸۷۰ کیلوهرتز)، ۴۹ متر (۶۱۲۰ کیلوهرتز)، و ۶۰ متر (۴۷۷۵ کیلوهرتز) برنامه پخش می‌کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز و ۶ صبح روز بعد تکرار می‌شود.

برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B.49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

### کمک‌های مالی رسیده:

کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی  
اشتوتگارت ۵۰ مارک رفیق عسکر ۵۰۰۰ تومان  
از آلمان غربی ناتوشا ۵۰ مارک

### آدرس پستی:

NAMEH  
MARDOM  
NO: 176

P.B.49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden